

## چکیده

هنرهای مرتبط با کتاب آرایه و کتاب سازی تاریخی به قدمت تاریخ مجموعه های نگارشی دارند. کتاب آرایه یکی از هنرهای شاخصی است که هنر ایران را از هنر جهان های دیگر متمایز می کند، تجلید به عنوان یکی از این هنرها به گونه های متفاوتی از جلدسازی منتهی شد، جلدهایی که نه تنها نقش محافظت و نگهداری اوراق از آفات برون و فرسودگی را بر عهده داشتند بل در مواردی مظهر درون مایه موضوعی کتاب هستند.

مجلدان برای تجلی این سیرت در صورت کتاب از هنرهای مختلفی از قبیل تذهیب، تشعیر، سوخت، معرق، منبت، زیر لاک و ... بهره گرفته اند. طی سده ها این هنرها به بالاترین درجه از فندهای تجلید منتهی شدند و امروزه سنت ساخت بعضی از این جلدها هنوز قابل پی جویی است. این وجیزه به سیر تاریخی رشد این هنرها و معرفی انواع آن می پردازد.

واژه های کلیدی: کتاب آرایه ، تجلید ، شیوه و نمونه های ایرانی

## تجلیل و تجلید

سارا مصلحی \*

## مقدمه

راه‌ها و اسلوب‌های تذهیب، نقاشی، تصویرگری، صحافت، کاغذ سازی و ... مطمح نظر می‌شود و کاتبان از امتیازهای رسمی و اقتصادی برخوردار می‌شوند و ورآقان از این طریق هویت فرهنگی می‌یابند و ارتزاق و معیشت می‌کنند. هم به همین اعتبار است که به سرعت شعب فن کتاب سازی شکلی منظم پیدا کرد.<sup>۱</sup>

پیش از ورود اسلام به ایران و تمدن‌های خاورمیانه ای ابداع خط الفبایی و نوشتن مطالب بر لوح‌ها، پوست و پارچه ضرورت حفاظت فیزیکی این اوراق به پیدایش جلدها منتهی شده بود، با این حال اوج فنون کتاب سازی به پس از اسلام مربوط است.

مایل هروی در کتاب آرایسی در تمدن اسلامی در تعریف جلد می‌نویسد: "در عرف کتاب سازی، دفتین<sup>۲</sup> را گویند که اوراق و اجزای کتاب را فراگیرد." در فرهنگ معین نیز در تعریف جلد آمده است: "آنچه از جنس مقوا و جز آن که متن کتاب را فراگیرد."<sup>۳</sup>

تجلید یکی از شاخص‌ترین هنرهای ایرانی و ایرانی اسلامی است و نقش مهمی در حفظ و حراست از فرهنگ و اندیشه شرق داشته است. سیر تطور این هنر خود نمایه ای از رشد و بالندگی ذهن و پیام ایرانیان است.

به طور قطع از آنچه فاتحان مسلمان از کتابخانه‌های مدائن و اسکندریه گفته‌اند، می‌دانیم که کتاب‌های این دوره شکل امروزش را داشته‌اند، جلدهایی از چوب، پارچه و از کاغذگونه‌های بسیار نفیس؛ اما به سبب انعطاف و در عین حال دوام و مقاومت پوست حیوانات رایج‌ترین جلدها، چرمین هستند.

جلدگران کوشیدند تا از انواع چرم‌های سخته و استوار و در عین حال نرم و انعطاف پذیر، نه تنها به عنوان رویه و پوشش جلد بهره ببرند بلکه گونه‌های مختلف آن را با الوان مختلف رنگ آمیزی کنند و از آن‌ها در انواع عدیده جلد - که چرم در آن کاربرد داشته است - بهره برده‌اند.

آغاز کتابت بشر را به حضرت ادریس نسبت می‌دهند، هم او که به اذن پروردگار نوشتن را به مردم آموخت، از این پیام رسان الهی در قرآن کریم یاد شده است و هم او که دریافت‌کننده سی کتاب از وحی الهی بود.

به تاریخ ایرانیان می‌خوانیم که: "زردشت هزار و دویست فرگرد به دین دبیره برصفحات زرین کند و نوشت و گنج آن آتش‌گاه نهاد و سپس گجسته اسکندر آن را سوخت و به دریا افکند."<sup>۴</sup>

پیروان سنت مانی به سیاق پیامبرشان نسخه‌های خطی قابل توجهی بر جای گذاشتند و کهن‌ترین سندی که امروز از آن‌ها در دست داریم با نام اوراق تورفان حکایت از ذوق و سلیقه مانویان دارد. (تصویر ۱)

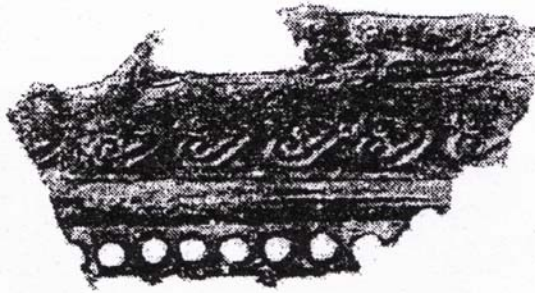


(تصویر ۱) اوراق مانوی تورفان، نقاشی روی کاغذ، سده دوم تا سوم هجری

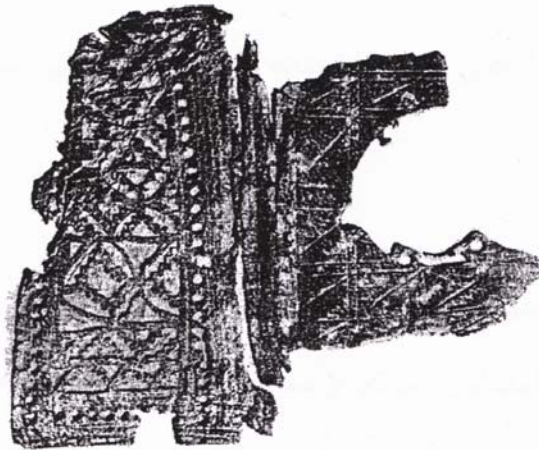
پس از ورود اسلام به ایران هنرهای مرتبط با کتاب، از خوشنویسی تا تجلید و نگارگری همه و همه دچار تحولی عظیم می‌شوند.

سهولت خط عربی نسبت به خطوطی چون پهلوی و از آن مهم‌تر اعتقادات عمیق ایرانیان به کلام خدا، احادیث و خاندان نبوت آنان را متوجه ثبت و تکثیر این مواهب الهی کرد. آنان به اهتمام کلام آسمانی را به زیننده‌ترین آرایه‌هایی که در بضاعتشان بود آراستند. از این رو به جرأت می‌شود ادعا کرد که کتاب آرایبی برخاسته از تجلیل ایرانیان از کلام الهی است.

"در نخستین سده‌های هجری ذهن و زبان اصحاب فرهنگ متوجه ابزار و اسباب کتاب و کتابت می‌شود و



(تصویر ۳) قسمتی از جلد منقوش تورفان، سده سوم و چهارم هجری  
اندازه: ۴/۴ سانتیمتر



(تصویر ۴) قسمتی از تزئینات روی جلد تورفان، سده سوم و چهارم هجری  
اندازه: ۹ سانتیمتر

آرتور پوپ در کتاب خود درباره این مجلدها می گوید:  
"این چند قطعه جلد چرمی دارای حاشیه و ترنج  
مرکزی هستند یعنی نوعی جلد ضربی به حساب  
می آیند و به نظر می رسد از قرن دوم هجری ساخت  
مقوا و چرم در ایران رایج بوده است."<sup>۶</sup>  
از نظر قدمت بعد از نسخه های تورفان جلد های مسجد  
جامع نایین در مقام بعدی قرار دارند که نشان دهنده  
کیفیت تجلید در عصر سلجوقی هستند. (تصویر ۵)

از آنجاکه طرف مقابل عطف کتاب نیز در معرض  
تعرض و آفت بوده است، جلدگران در پی آن شدند تا  
لبه ی عطف گونه در سر دفته دوم جلد تعبیه کنند که  
به مانند عطف تا می خورده و مانند سرپاکت، سوی  
مقابل کتاب را تحت پوشش می گرفته است (تصویر ۲).



(تصویر ۲) یک نسخه خطی صحافی شده با جلد چرمین مهر کوبی شده و  
دارای لبه برگردان (در پاکتی یا لسان)

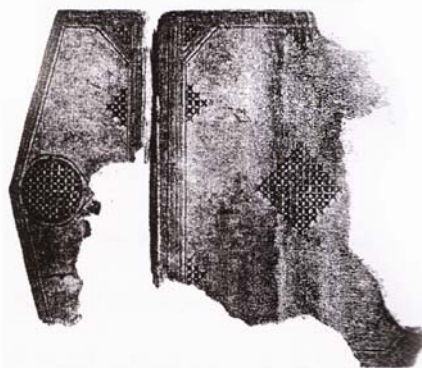
جلدگران حتی به لحاظ فقهی، می کوشیده اند تا در  
انتخاب مصالح نیز حدود شرع و عرف را مراعات کنند،  
بنابراین از به کار بردن اعضای حیوانات حرام گوشت  
تحاسی و اجتناب کرده اند، در مورد شاخ و عاج به  
سبب آنکه خون حیوان در آن جریان ندارد کراهتی نیز  
در به کارگیری آن ها نبوده است.  
اگر چه از دوران پیش از اسلام جلد کاملی به دست  
نیامده است ولی با کشف قطعاتی از جلد های منقوش  
مانوی در تورفان متعلق به سده اول تا سوم هجری و  
تکنیک های به کار رفته در آن می دانیم که جلدسازان  
شاید در مهارت و زبدهگی به توفیقی نایل آمده اند  
(تصویر ۳ و ۴) چونانکه در ساختار جلد های چند قرن بعد  
هم از همان روش قدمایی پیروی شده است.

بدون نوارهای برجسته هستند و لبه های جلد همتراز با لبه های صفحات می شوند و جلد زوایای گردی پیدا کرده است. اضافه بر این که مسلمانان از به کار بردن طلا در کتاب سازی قرآن عذر داشته اند حال آن که جلد‌های کلاسیک متقدم از چرم یا چوب حتی در نسخه های مذهبی مسیحی در بسیاری موارد مطلقاً یا نقره کوبند.<sup>۷</sup>

البته نمونه های قرآن های طلا کوب نیز وجود دارند. ناصر خلیلی<sup>۸</sup> درباره این قرآن نویس ها می نویسد: "تا پیش از قرن هشتم هجری، نقش و نگار تزیین جلد به اندازه کافی واضح نبوده و کیفیت بالایی نداشت. در آن زمان چرم را پس از مرطوب کردن و با استفاده از مهر، نقش می زدند؛ بعدها مهرهایی از فلز و چرم نیز رایج شدند همچنین مهرهای بزرگتری وجود داشت که یک رویه جلد را یکباره منقوش می کرد، این گونه مهرها را معمولاً ابتدا می گداختند و در برخی از جلد‌ها نقوش تزیینی علاوه بر این طلاکوب نیز می شدند." روی جلد و پشت جلد را به یک سبک تزیین می کردند ولی معمولاً جلد پشت از نظر آرایه ها بسیار ساده تر از روی جلد است. گوشه های جلد متناسب با مدال مرکزی جلد تزیین می شوند.

دانکن هالدین مؤلف کتاب صحافی و جلد‌های اسلامی بر این باور است که "در این مرحله است که مجلدان با تزیین لوحه های گود نیز آشنا می شوند."<sup>۹</sup>

پایان سده هشتم (چهاردهم میلادی) و آغاز سده نهم (پانزدهم میلادی) هنگامی که شرق زیر ضربات یورش های تیمور قرارداشت مقطع جدیدی در همه هنرها و به طور اخص در جلد آرایه ایرانی اسلامی آغاز می شود. حمایت و هواداری دربار تیمور از هنر سبب رشد چشمگیر همه هنرها و از جمله کتاب سازان می شود، تیمور جلدسازان و صحافانی را از سوریه و مصر به سمرقند آورده بود، پس از او جانشینش شاهرخ (۵۰ - ۸۰۷ / ۱۴۰۴ - ۱۴۰۶) عملاً مراکز مهم کتاب سازی در هرات و همزمان با آن در



(تصویر ۵) تکه ای از یک جلد یافته شده در مسجد نائین سده سیزدهم هجری، اندازه: ۲۸x۲۲/۹

از جمله جلدی چرمی با برگردان پاکتی (لبه برگردان یا لسان) که حواشی آن جدول کوبی شده است. جلد این نسخه به جهت ساخت تکنیکی برگردان و عطف آنها نوع پیچیده ای از جلد سازی سلجوقی را نمایان می کند.

به استثنای تکه ای از یک جلد قرن سیزده در مسجد نائین و جلد منافع الحیوان که ساخت اواخر قرن سیزدهم مراغه است (و اکنون در کتابخانه پیرپونت مورگان نگهداری می شود) جلد دیگری قبل از قرن چهاردهم به دست نیامده است.

البته نمونه های نادری مثل قرآنی از قرن دوازدهم در موزه بوستون نگهداری می شود که درباره ی انتساب آن به جلدسازی ایران باید با کمی احتیاط سخن گفت.

جلدهای دیگری نیز برای نسخه های پیش از قرن چهاردهم ساخته شده است که بعد از این قرن و در جریان مرمت نسخه به آن الصاق شده اند بنابراین در زمره جلد‌های پیش از این تاریخ قرار نمی گیرند.

درباره ریشه های تجلید آرتور پوپ معتقد است خاستگاه صحافی و جلد آرایه ایران و کل سرزمین های اسلامی ماوراء دجله نه از شرق بلکه از غرب منشأ گرفته و آن ها را منتسب به جلد‌هایی از کتاب مقدس متقدم می داند (البته منظور جلدی برای اسناد با اوراق کاغذی است).

با این تفاوت که کتاب های اسلامی همیشه مسطح و

جلدها نقش بستند. بعدها با قلم های فولادی این نقوش را نقاری می کرده و گاهی قسمت هایی را فرو برده و با فام های سیاه و سفید رنگ آمیزی کرده اند. در جلدهای فاخرتر این کار با آب طلا انجام شده است. این نقوش پیچیده مجزا از متن ساده، ترنج نام دارند که رایج ترین جلدها پس از قرن ششم و هفتم هستند. (تصویر ۶)



(تصویر ۶) جلد ضربی

از قرن شانزدهم میلادی (دهم قمری) کاغذ و مقوا جایگزین جلدهای چرمی شدند. دانکن هالدین معتقد است قیمت ارزان و استفاده سهل از این جلدها سبب از رونق افتادن جالدهای چرمی است اما نمی شود این واقعیت را نیز نادیده گرفت که به طور کلی تنوع نقوش در جلدهای لاکی و روغنی است که وسوسه جلدهای پر طمطراق و زینتی را به دل جلدگران ایرانی می اندازد. در بسیاری موارد لوح نگارگری شده از مقوا را درون جلدی از چرم جاسازی و سپس یکدست و همتراز می کردند تا جایی که تشخیص آن غیر ممکن می شد، در نتیجه با یک اثر قطع بندی شده پس از قرن شانزدهم مواجه هستیم. به جز آرایش و تزئین در تجلید، شیوه های دباغی نیز

سمرقند، بلخ، مرو، مشهد و نیشابور پدید آمدند. کثرت تألیف ها و نشر کتاب ها و توجه به ظرایف و شیوایی نسخه های خطی باعث ارتقای علوم و فنون مرتبط با کتاب سازی شدند.<sup>۱</sup> جلد آرایشی و صحافی شهرهایی چون شیراز و تبریز در همین دوره شهرتی در شأن کتاب سازی شرق یافت.

در جلدهای این دوران رنگ نقش و رنگ زمینه در جلدها با یکدیگر متفاوت هستند. طیف رنگی این جلدها بیشتر از سیاه تا قرمز تیره و بنفش هستند.

طرح جلد در مکاتب شرق و غرب ایران آن دوره توأمان نقش مایه های گیاهی هستند و اثری از طبیعت گرایی در آن ها دیده نمی شود، با این تفاوت که در جلدهای غرب ایران کم تر شاهد تأثیر هنر خاور دور هستیم. اصولاً رواج تکنیک هایی که امکان تولید جلدهای بیشتری را فراهم می آورد؛ در نتیجه ی رونق کتاب سازی در عصر تیموری بود.

برای مثال شیوه مهر کوبی امکان تولید جلدی به تعداد زیاد را در این دوران پدید آورد. بسیاری از نسخه شناسان بر این باورند که سده نهم هجری دوره درخشان کتاب سازی ایران است. نسخه های باقیمانده از این سده ها بیشتر جلدی چرمین دارند و چرم دباغی شده آن ها از پوست بز یا گوسفند بدون پشم بوده است، البته جنس چرم این جلدها به نسبت حیوانات هر اقلیم متفاوت است، به طور مثال جلدهای قبطی از چرم گاو هستند یا در نمونه های عربی جلدی از چرم اسب و شتر نیز مشاهده می شود.

این چرم ها را روی ورقه های چند طبقه کاغذ (مقوا) یا ورقه های نازک چوب می کشیدند. در بعضی از جلدها به سبب ضخامت چرم، آن را بدون مقوا و آستر ساخته اند که امروزه به جلد بلغار شهرت دارد. انواع جلدها در ابتدا به طور کامل ساده یا محدود به رنگ های طبیعی قهوه ای، زرد و سیاه بوده اند و هیچ نقش و تزئینی ندارند.

از قرن چهارم به بعد کم کم اشکال ساده ای روی

روغنی عثمانی و کشمیری نیز وجود داشته است. انواع جلد روغنی گونه های جلد روغنی تذهیبی، روغنی تشعیری، روغنی مذهب، روغنی مصور و روغنی ترنج است.

در بخش جلد نباید تنها به خصوصیات فنی و صنعتی توجه داشت، دو شیوه چسبی و دوخت هر کدام امکانات جداگانه ای را برای این کتابها فراهم کرده اند، در بسیاری از نسخه هایی که نیاز به الصاق یا منفک نمودن اوراق تشخیص داده می شد، شیوه چسب استفاده می شود که به کاربر امکان تصحیح نسخه را داده است در حالی که در مورد کتبی چون قرآن کریم یا شاهنامه از صحافی دوخت استفاده شده است؛ که ابتدا صفحات را به یکدیگر دوخته و در نهایت با دوخت مستحکم تری به جلد متصل کرده اند به طوری که آستر بدرقه و شیرازه در صحافی دوخت بسیار مستحکم تر از شیوه چسب است.

با این حال در این بخش از کتاب سازی (صحافی) نمی شود نسخه های شرقی را در مقام مقایسه با نمونه های غربی، منطبق با همان ادوار قابل اعتنا دانست.

در بسیاری از نمونه هایی که امروزه در اختیار داریم جلد ها از اوراق جدا شده اند و این نیز از نقایصی در صحافی است و به همین جهت، جلد ها فاقد امضاء و رقم هستند بنابراین فقدان اوراق باعث شده است نام جلدگر و تاریخ ساخت آن مبهم باقی بماند.

انواع گوناگون جلد به هر شکل و اسلوب تهیه شده باشد در نهایت به وسیله استاد صحاف به متن نوشتاری یا تصویری الصاق می شود.

به جز اسلوب صحافی معمولی، شیوه های بیاض، طومار، مرقع و لسان از انواع صحافی های رایج بوده اند.

بهترین نمونه های این شیوه از جلد سازی را می توان در گنجینه شرقی موزه ویکتوریا و آلبرت انگلستان و دارالکتب، متحف الفن الاسلامی و موزه خدیویه

طی قرون توسعه پیدا کرده اند. دباغی با زاج اولین کوشش برای استفاده از مواد معدنی در کار دباغی است که به آن چرم زاجی می گفتند.

رایج ترین شیوه دباغی در خاورمیانه فروکردن تخته های پوست در محلول سولفات پتاس و آلومین بوده است. البته در شیوه عربی چرم را در محلولی از برگ و پوست و ریشه گیاهان فرو می بردند.

سابقه این شیوه که به دباغی گیاهی معروف است به چهار هزار سال می رسد و هنوز در بعضی از مناطق جهان عرب مانند فاس مراکش به شیوه سنتی متداول است.

البته جلد ها منحصر به انواع چرم نیستند، از خاص ترین جلد هایی که در آن چرم به کار نمی رود، می توان به جلد های ترمه، جلد پارچه، جلد چوبین و جلد های روغنی، لاک و ... اشاره کرد.

جلد های روغنی که پس از سده نهم رواج چشمگیری داشته اند در کنار جلد های سوخت مهم ترین جلد ها پس از عهد صفوی هستند، اصفهان در عصر قاجاریه مرکز تهیه بهترین نمونه های این نوع جلد سازی است. (تصویر ۷)



(تصویر ۷) جلد روغنی

در جلد های روغنی سهم نقاش، مذهب و خوشنویس در تهیه جلد بسیار بیشتر از سهم صحاف است؛ به جز نسخه های ایرانی، نمونه های مشابهی از جلد های

ایرانی " است.

ویژگی های منحصر به فرد جلد های ایرانی که آن ها را از نمونه های مشابهی چون ترکی ، هندی و عربی متمایز می کند و حتی ساختار مکانیکی و صحافی قابل تعویض آن ها امکان پژوهش گسترده تری را رو در روی هنرپژوهان و به طور اخص پژوهشگران حوزه گرافیک قرار داده است.



(تصویر ۸) جلد سوخت

مصر مشاهده کرد. همچنین این مجموعه دارای آثار عمده ای از جلد های پایپه ماشه و روغنی قرن نوزدهم است.

این روزها صحافی ماشینی جای صحافی دستی را گرفته اما تمامی مراحل صحافی سنتی نعل به نعل در صحافی ماشینی تکرار می شود با این تفاوت که هنوز استحکام و زیبایی شیوه دستی به مراتب بیشتر است.

بعد از رواج سری سازی و جلد های ضربی و کوبیده ، جلد های ایرانی خصوصیت یگانه خود را از دست دادند ، هر چند جلد های مهرکوبی پیش از قاجاریه هم رواج داشتند اما متداول شدن تولید مکانیکی موجبات انحطاط هنر جلد سازی را فراهم آوردند.

پیش از آن هم در قرن هفدهم جلد های ایرانی زبان را به تبعیت از جلد سازی به شیوه غربی از دست داده بودند.

حذف حاشیه و قاب های مذهب نیز در همین دوره به وقوع می پیوندد، تا جایی که در اکثر جلد های اواسط و اواخر قاجار تنها شاهد مدال ساده کوچکی در روی جلد هستیم که در بیشتر مواقع منقوش به گل آرایه های رایج قجری هستند. از میان جلد های قاجاری تنها باید به جلد های پایپه ماشه ای اشاره کرد که در اوج توانایی هنرمند در ساخت جلد های چند سطح به شکل اغوا کننده ای پاسدار آخرین هنر های در حال فراموشی هستند.

پوشانیدن خمیر مقوا با روغن جلا و نقاشی بر روی آن از اصفهان قرن دهم (قرن شانزدهم) آغاز شد و مورد توجه صفویان قرار گرفت اما عمده ترین خصلت این جلد ها نه قابلیت های فنی جلد ساز که هنرنمایی در نگاره های آن ها است.

آنچه در بررسی جلد های قرن چهاردهم تا نوزدهم ایران حائز اهمیت است این خصوصیت است که تجلید فرصت و عرصه مناسبی برای درهم آمیختن هنر های متنوعی در کنار یکدیگر و در یک شاکله به نام " جلد

## نتیجه‌گیری

امروزه جلدسازی به شکل سنتی و آنچه می‌شود آن را به شکل عام تجلید ایرانی نامید در عمل رو به فراموشی است تا جایی که تعداد کارگاه‌های ساخت جلد سنتی کمتر از انگشتان یک دست هستند.

حتی در کارگاه‌های سنتی نیز شیوه‌های فاخری چون چرمین‌های سوخت یا مرقع، زری، صدف‌کار، لاک‌ی، روغنی و گل و مرغ ساخته نمی‌شود و امروز جلدها اکثراً به جلدهای یک پوستی، پارچه‌شبرو و کوبیده محدود شده‌اند.

شوربختانه همین اندک باقی مانده‌ها نیز پس از وداع جلد‌سازان کهن سال با جهان فانی به فراموشی سپرده خواهند شد. از یک سو شیوه‌های جدید تجلید و صحافی سری و صنعتی جای اسلوب‌ها، مواد و مصالح قدمایی را گرفته‌اند. از سوی دیگر به دلیل این که، بخش هنر کتاب‌آرایی مورد توجه چندانی نبوده و اسناد و مدارک و جلدهای ادوار مختلف ثبت و ضبط و نگهداری نشده‌اند، بنابراین امروز فرصت چندانی برای کشف فن‌ها و فنون به استناد به مانده‌های دیروز تاریخی وجود ندارد و اکثر مجلدها خارج از مرزهای ایران هستند.

بنابر آن چه ذکر شد باید هرچه زودتر به گردآوری جزئیات و مختصات فیزیکی و معماری شیوه جلدسازی ایرانی پرداخت و این مقدور نیست مگر اینکه بدانیم کدام بخش از روند جلدسازی به طور انحصاری به مباحث تجلید کدام گوشه‌ها به هنرهایی مانند تذهیب، نگارگری، تشعیر، خط، قطاعی، مرقع، ترصیع و ... ارتباط پیدا می‌کنند زیرا پرداختن به جزئیات امکان‌پذیری جویبی موردی و تخصصی را برای هنرپژوهان فراهم می‌کند و فحوای این هنر والای کاربردی را به عنوان بخشی از دانش فرهنگی به آیندگان خواهد رساند.

## فهرست منابع تصویری و نوشتاری فارسی:

- ۱- آقا بخشی، علی اکبر؛ مهدوی، محمدنقی. کتابشناسی کتابشناسی‌ها. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی، فروردین ۱۳۶۳.
- ۲- آل رشید، ابن رزاق. *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. چاپ اول. تهران: انتشارات مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۳- ادیب سلطانی، میرشمس‌الدین. *راهنمای آماده سازی کتاب*. ویرایش سوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- ۴- بیانی، مهدی. *کتابشناسی کتاب‌های خطی*. به کوشش حسین محبوی اردکانی. چاپ اول. تهران: ساسله انتشارات انجمن آثار ملی، فروردین ۱۳۵۳.
- ۵- پوپ، آرتور اِپهام. *شاهکارهای هنر ایران*. ترجمه پرویز ناتل خانلری. تهران: بنگاه مطبوعاتی صفیعلیشاه، اردیبهشت ۱۳۲۸.
- ۶- پوپ، آرتور اِپهام. *سیر و صور نقاشی ایرانی*. ترجمه یعقوب آژند. چاپ اول. تهران: انتشارات مولی، ۱۳۸۰.
- ۷- پورممتاز، علیرضا. *فرهنگ کتاب*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۸- خلیلی، ناصر. *کارهای استادانه*. پیام بهتاش. نشر کارنگ. ۱۳۸۰. ص. ۲۰.
- ۹- دال، سوند. *تاریخ کتاب از کهن‌ترین دوران تا عصر حاضر*. ترجمه محمد علی خاکساری. چاپ اول. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۱۰- دورانت، ویل. *تاریخ تمدن مشرق زمین*. گاهواره تمدن. ترجمه احمد آرام. جلد اول. چاپ سوم. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر. *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی، مهرماه ۱۳۶۶. ص. ۱۳۲۷.
- ۱۲- ریاضی، محمد رضا. *فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران*. چاپ اول. تهران: دانشگاه الزهراء، بهار ۱۳۷۵.
- ۱۳- مایل هروی، نجیب. *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی*. چاپ اول. تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۱۴- نفیسی، نوشین دخت. *تاریخچه کتابت*. چاپ اول. تهران: دانشگاه پیام نور، آبان ۱۳۷۹.
- ۱۵- *فصلنامه کتاب*. دوره اول، شماره پی در پی، شماره دوم و سوم و چهارم. تهران: نشریه کتابخانه ملی ایران، تابستان و پائیز و زمستان ۱۳۶۹.
- ۱۶- ریاضی، محمدرضا. *کتابت دوران اسلامی*، مجله *باستان‌شناسی و هنر*. سال اول، شماره پی در پی ۲ و ۳. تهران: نشریه علمی فرهنگی پژوهشی دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، مهر ۱۳۷۹.

## فهرست منابع تصویری و نوشتاری لاتین:

- 1- ARS.ORIENTALIS(MAGAZINE). *The Arts of Islamic and the East*. Vol.1. 1954.
- 2- Mazhar S.Ipsiroglu. *MASTERPIECES FROM THE TOPKAPI MUSEUM*. First publish. British, London:



Theames and Hudson Ltd, 1980.  
3- Pope, Arthur Upham. *A SURVEY OF PERSIAN ART*.  
Vol.X. Tehran: Souroush press, 1977.

### پی‌نوشت‌ها

- \* کارشناس ارشد رشته ارتباط تصویری (گرافیک)، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی گروه ارتباط تصویری  
sarahmoslehi@yahoo.com
- ۱- فسنامه کتاب. دوره اول، شماره پی در پی. شماره دوم و سوم و چهارم/ تهران/ نشریه کتابخانه ملی ایران. تابستان و پاییز و زمستان ۱۳۶۹. ص. ۲۱۷
- ۲- برگرفته از: مایل هروی، نجیب. کتاب آرابی در تمدن اسلامی. چاپ اول. تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، صص. ۱۶-۱۵
- ۳- "اوراق کتاب یا قطعات خط و نقاشی که در میان آن شیرازه بندی و حفظ می شود، جلد را امروزه معمولاً از مقوا می سازند و در مواردی روی آن را با کاغذ یا انواع چرم و پارچه می پوشانند."
- ۴- مایل هروی، نجیب، کتاب آرابی در تمدن اسلامی. چاپ اول. تهران: آستان قدس رضوی. ۱۳۷۲. ص. ۶۰۹
- ۵- فرهنگ فارسی معین. جلد اول. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر. ۱۳۷۷. ص. ۱۲۲۷
- ۶- Pop, Arthur Upham. *A SURVEY of PERSIAN ART*. Vol.10. Tehran: Souroush.Press.1977
- ۷- برگرفته از: پوپ، آرتور اُپهام. سیر و صور نقاشی ایران، ترجمه یعقوب آژند. چاپ اول. تهران. انتشارات مولی. ۱۳۸۰. ص. ۲۸۱
- ۸- برگرفته از: خلیلی، ناصر. کارهای استادانه، پیام بهتاش. نشر کارنگ. ۱۳۸۰. ص. ۲۰
- ۹- هالدین، دانکن، صحافی و جلدهای اسلامی. ترجمه هوش آذر نوش. تهران. سروش. ۱۳۶۶. ص. ۷۰
- ۱۰- برگرفته از: نفیسی، نوشین دخت. تاریخچه کتابت. چاپ اول. تهران: دانشگاه پیام نور، آبان ۱۳۷۹. ص. ۹۶